



وعده دیدار...

نیم‌نگاهی به برخی از نامه‌های امام به فرزندش

مرحله پیروزی شکوهمند انقلاب، معین و کمک کار من بوده است و هست و کاری که بر خلاف نظر من است، انجام نمی‌دهد و در امور مربوطه چه در اعلامیه‌ها و یا ارشادها، بدون مراجعه به من، تصرف و دخالتی نمی‌کند. حتی در الفاظ اعلامیه‌ها، بدون مراجعه به من، دخالت نمی‌کند و اگر در امری نظری دارد، تذکر می‌دهد که تذکراتش نیز صادقانه هستند و بر خلاف مسیر انقلاب و مصلحت نیستند. من اگر تذکراتش را نپذیرفتم، تخلف از قول من نمی‌کند و من نیز اگر حرفش را صحیح دیدم قبول می‌کنم و امیدوارم حرف صحیح را از همه کس قبول کنم.

اما از جهات مالی که بعضی از مخالفان انقلاب، گاهی نسبت‌هایی را به او می‌دهند، باید بگویم که ایشان در امور مالی من دخالتی ندارد و ضبط و حفظ بیت‌المال در اختیار بعضی از آقایان مورد وثوق می‌باشد و اگر برای اشخاص، وجوهی بخواهد پیشنهاد می‌کند و من بدون واسطه یا به واسطه آقایان، وجه را می‌رسانم. من اعلام می‌کنم که احمد در هیچ بانک داخلی و خارجی و هیچ مؤسسه‌ای وجهی و سهمی ندارد و در هیچ جا، در خارج و داخل زمین مرزوری و غیر آن و ساختمان و امثال ذلک ندارد و اگر بعد از من دارای یکی از این امور بود در داخل یا خارج دولت وقت و با اجازه فقیه وقت، صادره نمایند و او را تحت تعقیب درآورند و امید است که دولت‌مردان جمهوری اسلامی همیشه ضوابط را ملاحظه و از روابط احتراز نمایند.

از اموری که تذکرش خوب، بلکه لازم است، آن است که یکی از تهمتها که به او زدند این بود که موزه عباسی را رزیده و به پاریس برده است. مخالفان، چندی وقت خود را صرف آن نمودند، پس از آن، خلاف آن معلوم شد و یا گفتند که او در اطراف شمال زمین‌هایی خریده است و امثال آن که برای مخالفت با من از او انتقام‌جویی می‌کردند.

در امور سیاسی مدتی تهمته زده شد که احمد طرفدار منافقین است و من در طول مدت انقلاب مخالفت‌هایی را از او می‌دیدم، در حالی که دیگران بر آن شدت و قاطعیت نبودند و در این آخر که قضیه زندان اوین پیش آمد و شکایاتی از آقای لاجوردی می‌شد و مخالف‌هایی می‌شد [غیر] از احمد کسی را ندیدم که به شدت از آقای لاجوردی طرفداری و دفاع کند. احمد وجود او را برای زندان اوین لازم و بر کناری او را تقریباً قاجعه می‌دانست. با مسئله طرفداری از بنی صدر، مادامی که من از بنی صدر به واسطه بعضی از مصالح جانبداری می‌کردم، او هم گاهی طرفداری می‌کرد و آنگاه که من پرده را بالا زدم و او را برکنار کردم، حتی یک مرتبه از او طرفداری نکرد و مخالفت شدیدی می‌کرد.

با مسئله خط سوم که مدتی نقل مجالس مخالفان بود و تهمتهای

الحمد لله علی الاله و الصلوه والسلام علی انبیائه و اولیائه سیما النبی الختمی حبیب الله صلی الله علیه و آله سیما غائبهم و قائمهم ارواحنا له الفداء.

اینجانب هیچ گاه میل نداشته و ندارم که درباره نزدیکان خود سخنی بگویم یا دفاعی کنم، لکن علاوه بر آنکه در پیشگاه مقدس حق، جل و علا، مقصر و مجرم و از درگاه تعالی امید عفو و بخشش دارم و تمام سرمایه‌ام اعتراف به تقصیر و عذر از آن است و در نزد مسلمانان و ملت عزیز نیز اعتراف به قصور و تقصیر و از آنان امید عفو و طلب آمرزش دارم، در پیش گروه‌هایی و اشخاصی، گناهای نابخشودنی دارم و احتمال قوی می‌دهم که پس از من به بعضی از نزدیکان و دوستانم تهمتهایی را که من آنها را ناروا می‌دانم، بزنند و با آتشی که باید مرا بسوزانند، آنان را بسوزانند و احیاناً به صورت دفاع از من، انتقام مرا از آنها بگیرند. اکنون در حیات من گفتگوها و زمزمه‌هایی به گوش می‌خورد که احتمال فوق را قوی تر می‌کند. لهذا من احساس وظیفه شرعی نمودم برای رفع ظلم و تهمت، نظر خود را نزد ملت ایران اظهار کنم که از قبل من، در این خصوص تقصیری نباشد.

یکی از آنان که بیش از همه احتمال انتقام‌جویی از من درباره او می‌رود، احمد خمینی فرزند اینجانب است. اینجانب در پیشگاه مقدس حق شهادت می‌دهم که از اول انقلاب تا کنون و از پیش انقلاب و از زمانی که وارد این نحو مسائل سیاسی شده است، از او رفتاری یا گفتاری که بر خلاف مسیر انقلاب اسلامی ایران باشد، ندیده‌ام و در تمام مراحل، از انقلاب پشتیبانی کرده و در

احمد عزیز، ان شاء الله تعالی سلامت باشید. حال من بحمدالله خوب است و کسالت مزاجی ندارم، البته کسالت روحی زیاد است. لازم است تذکر دهم که ممکن است در این اوقات در آنجا مسائلی مربوط به مرجع طرح شود یا خدای نخواستہ کشمکش بین جوانها شروع شود. شما و تمام دوستان اینجانب باید از این مسائل برکنار باشید و یک کمک دخالت نکنید، چنانچه در اینجا نیز همین امر را سفارش داده‌ام. البته نفی و اثباتی نباید داشته باشید. تأیید و توفیق شما را خواستارم و از اینکه بحمدالله اشتغال دارید، مسرورم و از مدرس شدن شما هم مشغوفم. خوب کاری است. از اول همان طور که درس می‌خوانی و می‌بخشی می‌کنی، تدریس هم بکن، ولو برای یک نفر. ان شاء الله تعالی موفق باشید. والسلام. پدرت

□ □ □

احمد عزیزم

مرفوق جمع شما واصل، از اینکه دور هم جمع و بحمدالله تعالی سلامت هستید و خوش و خرم، مسرور هستم. ان شاء الله خداوند تعالی به همه شما سلامت و سعادت عنایت فرماید. اینجانب سلامت هستم بحمدالله تعالی، ولی نگرانیهای روحی بسیار است. دعا کنید خداوند اصلاح فرماید. از سلامت خودتان و دیگران مطلع نمائید. نمی‌دانم درس را به کجا رساندی و حالا مشغول چه هستی. از وضع درس و مدرس بنویسید. از خداوند تبارک تعالی توفیق و تأیید شما را خواهانم. خدمت حضرت آقای عم بزرگوارتان سلام برسانید و نگذارید به ایشان بد بگذرد. والسلام علیکم.

پدرت

□ □ □

پسر عزیزم

ان شاء الله تعالی با سلامت و سعادت به سر برید. ماها بحمدالله تعالی سلامت و از آمدن خانم خوشحالیم. امید است روزی هم همه با هم باشیم. از سلامت خودتان مطلع نمائید. ان شاء الله حالا به درس خارج رفته‌اید. در سه‌ها را بروید و هر کدام را که به فهم شما نزدیک است، انتخاب نمائید. راجع به اسم بچه، من نمی‌دانم شما چه وسواسی دارید. یک اسمی اختیار کنید، البته اسماء دور از اذهان نباشد. اگر مایل باشید، «حسن» بسیار خوب است. در هر صورت اسم را بگذارید و هر نحو شما و اهل منزل انتخاب کنید، ما هم قبول داریم. خدمت ایشان هم سلام برسان. نور چشمم را می‌بوسم، والسلام.

پدرت

□ □ □

فرزندم! پس از من ممکن است پیشنهاد خدمتی بر تو شود. در صورتی که قصد خدمت به جمهوری اسلامی و اسلام عزیز است رد مکن و اگر خدای ناخواسته برای هواهای نفسانی و ارضای شهوات است، از آن اجتناب کن که مقامات دنیوی ارزش آن را ندارند که خود را در راه آنها تباہ کنی.

ناروا می‌زند و من او را امر به سکوت کردم و او هیچ‌گاه از خط انقلاب و اسلام خارج نبود و بالاخره اگر به واسطه انتقام‌جویی از من، پس از من گروه‌هایی به مخالفت او برخاستند، من دین خود را به او به عنوان یک مسلمان و یک رُحِم ادا کردم و خداوند تبارک و تعالی حاضر و ناظر است و من امیدوارم که احمد به خدای تبارک و تعالی اتکال نماید و از غیر او هیچ‌کس نهراسد و در خدمت به خالق و خلق، به واسطه تهمتها و مخالفتها به خود تزلزل و تردید راه ندهد و در خدمتها از خداوند متعال چشم‌داشته داشته باشد و برای به دست آوردن هیچ مقامی قدم بردارد.

چون او را شخص مفیدی برای انقلاب می‌دانم، امیدوارم در کنار وفاداران به انقلاب و متعهدان در راه اسلام و هدف به خدمت هر چه بیشتر قیام کند و با برادران انقلابی و ایمانی در خط انقلاب و اسلام کوشش کند و از هیچ خدمتی مضایقه ننماید و پاداش از هیچ مخلوقی نخواهد و خدمت را در راه کشور اسلامی و اهداف الهی خالصانه برای رضای خالق، جل و علا، ادامه دهد و به مستمندان و مستضعفان که حق تعالی سفارش آنان را فرموده، بیش از دیگران خدمت و دیگران را به خدمت‌گزاری دعوت کند و هر چه مشکل در راه خدمت به هدف که اسلام عزیز است، پیش آید و هر چه کارشکنی شود، از کوشش برای خدا دست‌پرنده و برای هر خدمتی که او را دعوت کردند و تشخیص داد مفید است، اجابت کند و رضای خدا را با خدمت به خلق جلب نماید.

و اما در موضوع روحانیت که گاهی احمد مورد تهمت واقع می‌شود، من او را موافق جدی با روحانیت می‌دانم. اساس روحانیت چیزی نیست که یک نفر مسلم با آن موافقت بی‌قید و شرط که هر کس با هر عمل و اخلاق و ایده مورد تأیید او باشد و لباس روحانیت به قامت هر کس اگر چه بر خلاف مشی اسلامی انسانی رفتار کند سزاوار و موجب لزوم غمض عین باشد، از او هیچ روحانی متعدد مسلمان معتقد به ارزشهای اسلامی متوقع نیست و نباید باشد. اینجانب کرا را گفته‌ام که روحانی نمای غیر مهذب و در غیر خط اسلام برای اسلام و جمهوری اسلامی از ساواکی خطرناک‌تر است. در هر صورت احمد در این باره از خط اسلام و خط روحانیت متعددی پیروی می‌کند و امید است انشاء الله تعالی در این خط مستقیم که صراط‌الله است، پایدار باشد.

از خداوند متعال دوام جمهوری اسلامی و عزت و عظمت مسلمانان جهان، و ویژه ملت شریف ایران و تعهد و پایداری متصدیان امور و

فرزندم! کوشش کن که در صراط مستقیم که صراط‌الله است، ولو لنگان لنگان حرکت کنی و حرکات و سکنات قلبی و قالبی را رنگ معنویت و الوهیت دهی و خدمت به خلق را برای آن که خلق خدا هستند، بنمایی. انبیای عظام و اولیای خاص خدا در عین حال که مشابه دیگران اشتغال به کارها داشته‌اند، هیچ‌گاه در دنیا وارد نبوده‌اند؛ چون اشتغالشان بالحق و للحق بوده است.

قدرت و شوکت رزمندگان سلحشور و حضور ملت بزرگ ایران را در صحنه خواستار [م].

والسلام علی عبادالله الصالحین.

یکشنبه ۲۳ تیر ۱۳۶۱ / ۲۷ محرم الحرام ۱۴۰۳

روح‌الله الموسوی الخمینی غفرالله له

□ □ □

من شهادت می‌دهم که احمد فرزند اینجانب از موقعی که در مسائل روز وارد شده و تماس با کارهای اینجانب داشته است، تا حال تحریر این کلمات از او خلاف دستورات اینجانب مشاهده نکرده‌ام و در اعلامیه‌ها و امثال آنها تصریحی بدون رضای من نکرده است و چیزی بر خلاف گفته‌های من به من نسبت نداده است و بالجمله خلافتی از او مشاهده نکرده‌ام. لکن باید احمد بداند گسالتی، خصوصاً مثل او که در این امور اجتماعی و سیاسی وارد می‌شوند، مصون از افترا و ضربه نیستند و باید او حساب خود را با خدای قادر متعال درست کند و به ذات مقدسش اتکال نماید و از بشر ضعیف هراس نداشته باشد که مکاید بشری چون خود بشر زودگذر و فانی هستند و همه به سوی او، جل و علا، خواهیم رفت و اکنون نیز در محضر مبارک او هستیم.

والسلام علی من اتبع الهدی.
از خداوند تعالی توفیق خدمت به خلق را برای همه دست‌اندرکاران و برای منسوبان به خود خواستارم.

تاریخ سیلخ صفر ۱۴۰۵

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ □ □

کتاب «آداب الصلوه» را که خود از آن بهره‌ای نبردم، جز تأسف بر قصور و تقصیر بر ایام گذشته که توانایی بر خودسازی داشتم و حسرت و ندامت در روزگار پیری که دستم تهی و بارم سنگین و راهم بس دراز و پایم لنگ و آوای رحیل در گوش است، هدیه کردم به فرزند عزیزم «احمد» که از قدرت جوانی کامیاب است، شاید او، ان شاء الله تعالی، از محتویات آن که از کتاب کریم و سنت شریف و افادات بزرگان فراهم شده است، بهره‌مند شود و به معراج حقیقی از رهنمایی اهل معرفت راه یابد و دل از این ظلمت‌کنده برکنده و به مقصد اصلی انسانیت که انبیای عظام و اولیای کرام، علیهم صلوات الله و سلامه، و اهل الله بر آن راه یافتند و دیگران را دعوت فرمودند، توفیق یابد.

پسرم! خود را که به فطرت‌الله تخمیر شده‌ای، دریاب و از گرداب ضلالت امواج سهمگین خودبینی و خودخواهی نجات ده و به سفینه نوح که بر تو ولایت‌الله است، رکوب کن که من ركبها لُحی و من تَخَلَّف عنها هَلْک.

فرزندم! کوشش کن که در صراط مستقیم که صراط‌الله است، ولو لنگان لنگان حرکت کنی و حرکات و سکنات قلبی و قالبی را رنگ معنویت و الوهیت دهی و خدمت به خلق را برای آن که خلق خدا هستند، بنمایی. انبیای عظام و اولیای خاص خدا در عین حال که مشابه دیگران اشتغال به کارها داشته‌اند، هیچ‌گاه در دنیا وارد نبوده‌اند؛ چون اشتغالشان بالحق و للحق بوده است. در عین حال از رسول ختمی مرتبت، صلی‌الله علیه و آله و سلم، روایت شده که فرموده اند، «لِیغان علی قلیبی و انی لاسْتَغْفِرُ اللّٰهَ قُلَّ یومٍ سَبْعِینَ مرَّه» شاید رؤیت حق در کثرت را، کدورت حساب می‌فرمود. پسرم! خود را میباید که پس از من بر تو جفاها رود و نگرانیها که از من دارند به حساب تو گذرانند. اگر حساب خود را با خدای خود صاف کنی و پناه به ذکر الله بری، هراسی از خلق به خود راه ده که حساب خلق زودگذر است و آنچه ازنی است، حساب در پیشگاه حق است. فرزندم! پس از من ممکن است پیشنهاد خدمتی بر تو شود. در صورتی که قصد خدمت به جمهوری اسلامی و اسلام عزیز است رد مکن و اگر خدای ناخواسته برای هواهای نفسانی و ارضای شهوات است، از آن اجتناب کن که مقامات دنیوی ارزش آن را ندارند که خود را در راه آنها تیه کنی.

بارالها! احمد و تبارش و متعلقانش را که از بندگان تو و تبار رسول اکرمند، در دنیا و آخرت، سعادت‌مند فرما و دست شیطان رجیم را از آسیبها به آنها کوتاه فرما.

خداوند! ما ضعیف و ناتوانیم و عقب افتاده از قافله سالکان، تو خود از ما دستگیری فرما.

ربنا عامنا بفضلك و لاتعامنا بعدلک.

والسلام علی عبادالله الصالحین

۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۵ / ۲۵ آذر ۱۳۶۳

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ □ □

فرزند عزیزم، احمد، حفظ‌الله تعالی در ایده از آنجا که شما را بحمد‌الله تعالی در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحب‌نظر می‌دانم و در تمامی فراز و نشیبها در کنار من بوده‌ای و هستی و با صداقت و کیاست، امور سیاسی و اجتماعی اینجانب را متصدی هستی، لهذا شما را برای تنظیم و تدوین کلیه مسائل مربوط به خود که بسار در رسانه‌های گروهی، اختلافات و اشتباهاتی رخ داده است، انتخاب می‌نمایم، و از خداوند متعال که حاضر و ناظر است، توفیقات شما را خواستارم.

امید است با صرف وقت و دقت نظر این امر را به پایان برسانی. والسلام علیکم.

پنجشنبه ۱۷ شهریور ۶۷ / ۲۶ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح‌الله الموسوی الخمینی

